

پیرامون این بند

کاروان توسعه

علاوه بر آن و هدف اینگران کاروان توسعه در جامعه می باشد و توجه و حمایت از آنان باعث رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه می گردد.

کار آفرینی

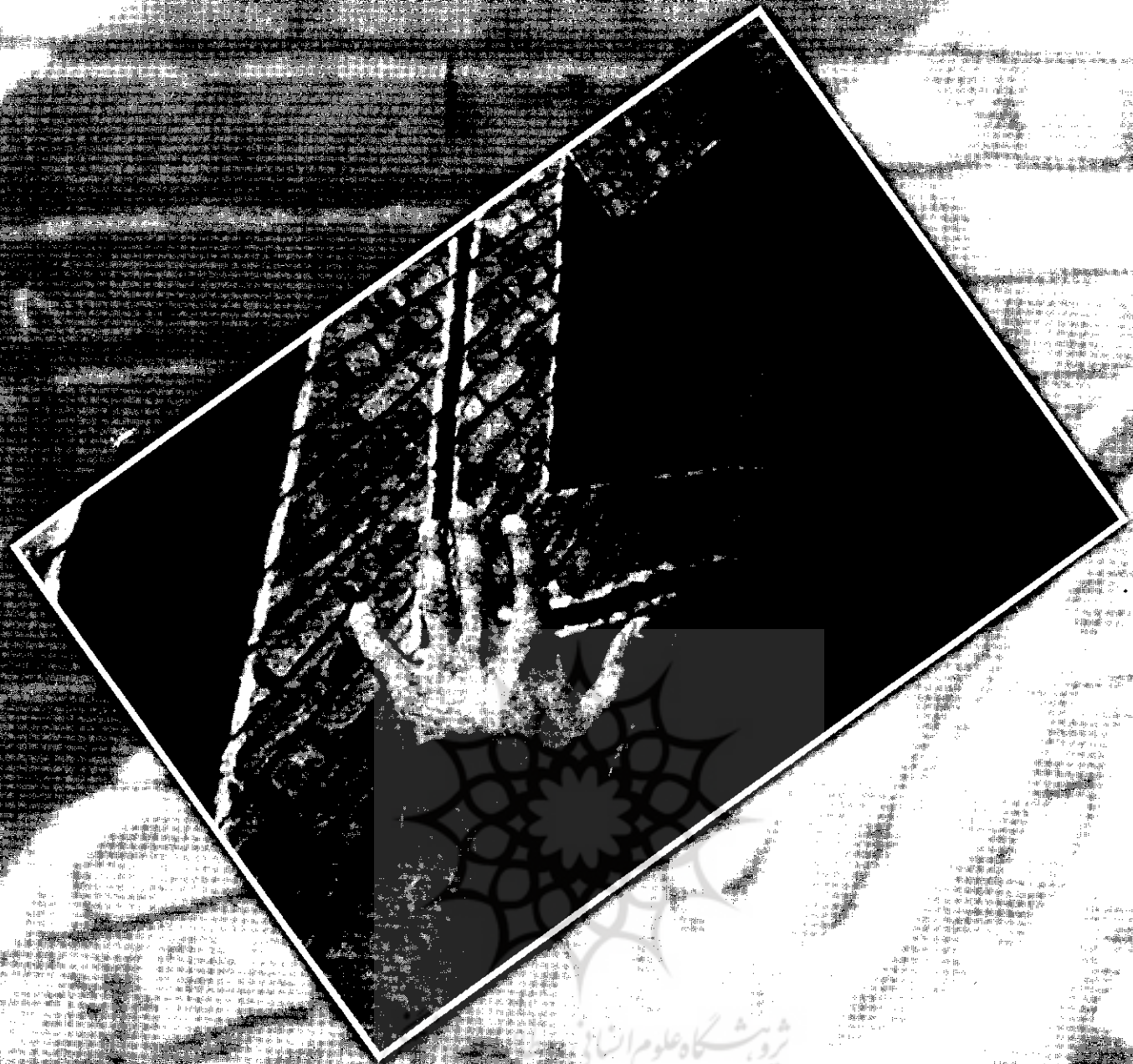
در سال ۱۸۱۰ میلادی برای نخستین بار ژان بایست سته، اقتصاددان بزرگ فرانسوی عنوان کارآفرینان را به کار برده و بیان داشته کارآفرینان بهره‌وری اندکی اقتصادی را افزایش داده و بازده فعالیتها را بالا می‌برند. به طور اجمال می‌توان گفت: کارآفرینان نوآوری هستند که نیازهای خفته را بیدار و بازارها را گسترش می‌دهند.

کارآفرینان سرمایه‌افزین و فرصت‌ساز و به وجود آورنده دانشهای فنی نو می‌باشند. کار این گروه موجب گسترش فرصتهای متعلق به ثروت و پیشرفت اقتصادی و فنی جامعه است. هر چند در این میان سود شخصی نیز در میان باشد.

مقدمه

مسئولان کشور ما سالهاست که در تلاش برای رشد اقتصادی و به تبع آن بهار تورم و بیکاری فرایند در کشور می‌باشند و این مهم بدون توجه مگر با شناخت صحیح شاخصهای رشد اقتصادی، اصلاح فرهنگ جامعه (توجه باکارآمدی)، بها دادن به نخبگان، ایجاد شرایط مناسب سطح نظارت و کنترل، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر که گامهای توسعه را محکم پیروند اند و تطبیق آن با شرایط جامعه ایرانی، توجه به بهره‌وری و اثربخشی، کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نقش گروه‌های صناعی با نظارت صحیح و مستمر دولت و در نهایت گسترش فرهنگ کارآفرینی، گسترش کارآفرینی یعنی توجه به نوع جامعه و استفاده از همه ظرفیتهای بالقوه مردم.

ضمناً انتخاب عنوان کاروان توسعه به این دلیل بوده که کارآفرینان،



پژوهشگاه علوم انسانی
سال چهارم شماره...

ویژگیهای کار آفرینان

- ۱- صلحگرا هستند، کار می کنند و مشکل را برطرف می کنند.
- ۲- قدرت به فعلیت رساندن اندیشه ها را دارند.
- ۳- توانایی شکستن الگوها و پوسته را دارا می باشند.
- ۴- قدرت مقابله با مخاطرات را دارند.
- ۵- مسئولیت پذیر بوده و دیگران را به پذیرش بر می انگیزند.
- ۶- همزمان اندیشه گر و کننده کار هستند.
- ۷- ایجاد گهوارا پذیر بوده و در گهوارا می توانند اعتماد به نفس دارند.
- ۸- توانایی شناسایی و حل مشکلات هستند.
- ۹- نیازهای گسترده و متنوعی دارند (مانند غذا، مسکن و...).
- ۱۰- باهوش و خلاقند تا آنان را از دیگران متمایز کند.
- ۱۱- افرادی هستند که به تنهایی نتوانند به موفقیت اقتصادی دست یابند.

کار آفرینی و بهبود کیفیت زندگی

کار آفرینان همواره در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدید هستند، آنها همچنین به دنبال روشهایی هستند که این کالاها و خدمات را به شکلی مؤثر تولید نمایند. این گونه تلاشهای بدیع، موجب تولید ماشین آلات بهتر و سیستم های تولید مؤثرتر می شود، تعهدات کار آفرین موجب بهبود دائمی استانداردهای زندگی می شود. نمای محصولات جدید و انجام خدمات مورد نیاز، زندگی را آسان و سهل تر می نماید.

ای نمونه می توان به بحث طبخ اشاره نمود که توسط

کار این گروه‌های کوچک نظارت نشود عمده محصولات را به انحصار خود درآورده و قیمت آن را بر دیگران تحمیل می‌نمایند. لیکن با وجود کارآفرینان بیشتر در یک زمینه، آنها خود یکدیگر را مورد نظارت قرار داده و موجب تعادل می‌شوند. توزیع صحیح و عادلانه درآمد موجب شکوفایی کارآفرینی می‌شود قدرت خرید مردم افزایش یافته و توان پرداخت سود بیشتر به کارآفرینان و یا سرمایه‌گذاری مشترک با کارآفرینان را خواهند داشت.

کارآفرینی و بهره‌وری عظیم ملی

اگر از منابع کشورمان به خوبی استفاده نماییم با توسعه سریع اقتصادی مواجه خواهیم شد، و با معادن وسیع سنگ آهن که در کشورمان وجود دارد، ایجاد کارخانه‌های ذوب آهن می‌تواند علاوه بر بهره‌برداری از مواد اولیه برای شارژ صنایع داخلی، با صدور مازاد بر مصرف آن، ارز بسیاری را به کشور سرازیر کند.

کارآفرینی همچنین راهی برای استفاده بهینه از منابع مالی خانواده و پس‌اندازهای شخصی ایجاد می‌کند که چشم‌پوشی از آن می‌تواند بخشی از اقتصاد خانواده را صرف تجمل‌گرایی (خرید اقلام وارداتی) و یا هرزروی آن گرداند.

شاخص توسعه اجتماعی و اقتصادی

ملاک سنجش فقر یا ثروت و توسعه یافتگی یا عدم آن در کشورها، میزان درآمد سرانه کشورهاست. درآمد سرانه یک کشور میانگین درآمد افراد آن کشور است و چگونگی زندگی مردم یک کشور در مقایسه با دیگر ملل رami‌سنجد، هر چه درآمد سرانه بالاتر باشد مردم آن کشور زندگی مرفه‌تر و بهتری خواهند داشت.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که میزان درآمد سرانه بالا نشانه قابلیت بالا برای کارآفرینی نیز می‌باشد.

دولتها همیشه در جستجوی راههایی برای افزایش درآمد سرانه افراد جامعه خود هستند. برنامه‌ریزی برای چنین افزایشی به معنای ایجاد راههایی برای ارتقای استاندارد زندگی مردم است. ایجاد زندگی خوب برای مردم یکی از مسئولیتهای دولتها می‌باشد. از سویی مقایسه بین درآمد سرانه کشورهای صنعتی و کشورهای نیمه صنعتی، تصویر خوبی از سطح زندگی در این کشورها به ما خواهد داد.

نقش فرهنگ در گسترش کارآفرینی

یکی از اشتباهات استراتژیک ما، تشویق جوانانمان به درس خواندن صرف بوده است. البته درس خواندن یک ارزش است ولی کافی نیست. بجه‌هایی که کار نکرده‌اند اجتماعی نیستند، با خرید و فروش و کسب و کار آشنا نیستند. کار در کنار تحصیل یک ارزش مضاعف می‌باشد. در احادیث و متون مذهبی گفته نشده که پول داشتن و سرمایه‌دار بودن و سود بردن بد است.



کارآفرینان متحول گردیده و با استفاده از ماکروفرها، زودپزها، آرام‌پزها و بخارپزها انقلابی در این زمینه ایجاد شده است. در بخش کشاورزی ساخت خودروهای مکانیزه مانند کمباین و غیره که به راحتی کارچندین کارگر را با کیفیتی مطلوب به انجام رسانده و هزینه برداشت محصول را کاهش می‌دهد و یا پیشرفت در ارائه محصولات ایمنی و پزشکی که نرخ مرگ و میر را کاهش و متوسط سن افراد را افزایش داده است.

کارآفرینی و کاهش اضطراب‌های اجتماعی

کارآفرینان همواره در تلاش برای شناسایی و یا ایجاد مواد اولیه برای تولید خدمات و کالاها هستند. وقتی قسمتهای بزرگی از جامعه محروم باشند، تنشهای اجتماعی و نهایتاً مهاجرت‌های بی‌رویه که باعث کاهش جمعیت از نقطه‌ای و انباشت بی‌رویه جمعیت در نقطه‌ای دیگر می‌گردد، که از آن نمونه می‌توان به بحران شهرکهای اقماری در تهران بزرگ اشاره نمود.

کارآفرینی در مقیاس وسیع از شکل‌گیری یک گروه کوچک مرفه که روز به روز ثروتمندتر می‌شوند جلوگیری می‌کند. اگر بر

حتی گفته شده "الکاسب حبیب الله" پس در متون دینی و رفتارهای اسلامی، کار یک ارزش است و ثروتمند شدن از راه حلال مورد احترام است.

آیا ما هم می‌توانیم کارآفرین باشیم

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که بخشی از خصوصیات کارآفرینان اکتسابی بوده و می‌توان با شناخت ویژگیهای این گونه افراد تبدیل به یک کارآفرین شد. روشهای پیشنهادی برای پویندگان راه کارآفرینی:

۱- گسترش اندیشه ناب

۲- تعیین اهداف: عادت نمایید که در این راه هدف مشخصی داشته باشید. وقتی بدانید چه می‌خواهید، زودتر به آن می‌رسید و در تعیین اهداف نکات زیر ضروری می‌باشد.

الف) واقع بین بودن

ب) متکی به نفس خویش بودن

ج) اولویت بندی در اهداف

د) مثبت گرایی در گزینش اهداف

۳- دیگران را در کار درگیر نمایید.

۴- از همکاری افراد با سازمانها به منظور

پشتیبانی علمی و مالی بهره برداری نمایید.

۵- برای اجرای اندیشه خود تیمی تشکیل داده و اعضای آن را با دیدگاههای خود همراه نمایید و تیم را به سمت هدف هدایت نمایید.

۶- به خودتان ایمان داشته باشید (باور کنید که می‌توانید به اهداف خود برسید. اگر به خود ایمان داشته باشید دیگران نیز به شما ایمان خواهند داشت).

۷- از افکار خود دفاع کنید.

۸- خلاق باشید. اگر از زمان خود عاقلانه استفاده کنید، زمان بیشتری برای خلاقیت خواهید داشت.

موانع کارآفرینی در کشور

یکی از موانع کارآفرینی در کشور، ناشناخته بودن مفهوم آن می‌باشد.

و دیگر مانع، نبود بحثها و تحلیلهای آکادمیک و دانشگاهی است. ما در

دانشگاه‌هایمان درس کارآفرینی و استادی در این زمینه نداریم و این در حالی است که به طور مثال در آمریکا بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دوره کارآفرینی در دانشکده‌های مختلف آن وجود دارد و این گونه دوره‌ها از اقبال خوبی برخوردار است.

متأسفانه در این زمینه کشور ما در وضعیت خوبی قرار ندارد. در کشور ما براساس تحقیقات انجام شده هیچ مفهومی از کارآفرینی در دانشگاهها، آموزش و پرورش، خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی مطرح نبوده است. به طور مثال، در طول یک ماه از حدود ۱۰۰ دانش آموز سؤال شد که چقدر با مفهوم کارآفرینی آشنا بوده و چقدر این مفهوم می‌تواند در آینده کاری آنان نقش داشته باشد، قریب به اتفاق یا اظهار بی‌اطلاعی می‌نمودند و یا با استفاده از معنی لغت، سعی در پاسخگویی داشته‌اند.

پرواضح است وقتی مفهومی وجود نداشته باشد، طبیعتاً نهادی

هم از این مفهوم حمایت نخواهد نمود. ایجاد فرصت هم خود مسئله‌ای است. کارآفرینی یعنی استفاده از فرصتها که البته با مفهوم فرصت طلبی و سودجویی، آن گونه که در عرف و فرهنگ ما وجود دارد متفاوت است. ایجاد فرصتها وظیفه دولت است. اگر دولت هوشیار باشد باید با مذاقه در ایجاد فرصتها مانع ایجاد رانت شود. این مدیریت تاکنون وجود نداشته است. یعنی رانت‌هایی که به وجود آمده به وسیله مردم نبوده، بلکه به وسیله دولت به وجود آمده است. از دلار فروشی گرفته تا خودرو، فولاد و غیره.

هر از چندی شاهد چرخش سرمایه در بخشهای مختلف مانند بورس، مسکن، تلفن همراه، خودرو و ... بودیم که در صورت برنامه ریزی صحیح دولت می‌توانست موجب شکوفایی اقتصادی شود لیکن به دلیل مدیریت نامناسب باعث افزایش غیرمنطقی قیمت موارد فوق گردید. در حال حاضر دولت در استراتژیهای توسعه‌ای هم، اهمیتی به کارآفرینی نداده است.

خروجی مراکز آکادمیک نیز بر پایه افزایش دانش است، یعنی دانش دانشجویان افزایش یابد، ولی مهارت کسب و کار و کارآفرینی در دانشگاهها آموزش داده نمی‌شود. دانشجویان هیچ مهارتی برای ورود به بازار ندارند و با کارآفرینی هم آشنا نیستند. چندی پیش با یک پزشک عراقی صحبت می‌کردم و ایشان می‌گفت: که سیستم آموزشی عراق بر پایه کسب مهارت در کار بوده و راهیابی به مراکز دانشگاهی صرفاً نیاز به علاقه داشته و یا یک مهندس روس می‌گفت: من تعجب می‌کنم چرا در ایران همه صرفاً از من درباره مدرک تحصیلی‌ام می‌پرسند، در حالی که در کشور ما مهارت حرفه‌ای و رای مدرک تحصیلی می‌باشد و هدف از سیستم آموزش روسیه کسب مهارت می‌باشد نه صرف دادن مدرک تحصیلی. به هر حال هر دانشجو باید پنج مهارت را در کنار تخصص خود بیاموزد:

۱- زبان انگلیسی ۲- اینترنت و ۳- ۱۱ مدیریت و سرپرستی ۴- بازاریابی ۵- حسابداری این مهارتها به نوعی کارآفرین است. الان اگر از صد نفر دانشجو سؤال کنید که چگونه تأمین می‌شوند می‌بینند که تنها ۲ نفر خودکفا بوده و ۹۸ نفر دیگر توسط خانواده تأمین می‌شوند.

پایان سخن:

در خاتمه هدف از گردآوری و ارائه این مقاله تلنگری به مدیران عالی و سیاست‌گزار کشور بود که یقیناً همه هم خود را در راه اعتلای ایران عزیز به کار خواهند بست. در این مقاله مدد بسیاری از کتاب مقدمه‌ای بر کارآفرینی، سایت اینترنتی *Entrepreneurs*، *YoungeEntrepreneurs* و سلسله مقالات استاد ارجمند دکتر احمدپورداریانی گرفته شده و امید است برای مطالعه مدیران مفید فایده باشد.

